

نقش معلم

در بالا بردن میزان مطالعه دانش آموزان

■ کاظم قاسمی گل افشانی

دانشجوی کارشناسی ارشد ایرانی‌شناسی و دبیر آموزش و پرورش شهرستان چالوس

چکیده

یکی از معیارهای توسعه کشورها، بالا بردن میزان مطالعه در میان مردم آنهاست. متأسفانه آمارها نشان‌دهنده میزان بسیار کم و نگران‌کننده مطالعه در کشور ماست. در سرزمین ایران که همواره مهد فرهنگ، ادب و تمدن بوده، این بیگانگی و بی‌مهری با کتاب بسیار تعجب‌آور است. برای نجات از این وضعیت، همه سازمان‌ها و نهادهای اجرایی باید به یاری بیایند و هر کدام نقشی را بر عهده گیرند و آن را به درستی ایفا کنند. بی‌تردید، نقش معلم در این میان اساسی‌تر است؛ چرا که او به‌طور مستقیم با بزرگ‌ترین گروه کتاب‌خوان، یعنی دانش‌آموزان، در ارتباط است. معلم می‌تواند با استفاده از روش‌های بدیع و خلاقانه هم مطالب درسی را به دانش‌آموزان منتقل نماید و هم در آن‌ها برای مطالعه بیشتر انگیزه ایجاد کند. یکی از این روش‌ها استفاده از زبان شعر است. شعر و ادب فارسی غنی‌ترین و متنوع‌ترین مضامین را در خود جای داده است. اگر اشعار هر کدام از شعرای پارسی‌گوی نظیر فردوسی، حافظ، مولانا، سعدی و... را بررسی کنیم، به مطالب زیادی درباره ریاضیات، نجوم، طب، اخلاق، فلسفه، تاریخ، جغرافیا و... دست خواهیم یافت. بنابراین، معلم می‌تواند به فراخور نیاز از هر کدام از این مضامین شعری در کلاس درس استفاده کند و آن‌ها را به دانش‌آموزان منتقل سازد و دانش‌آموزان را به مطالعه بیشتر ترغیب کند. در این مقاله به مصداق‌هایی از رابطه ادبیات با علوم

مختلف اشاره می‌شود؛ مصداق‌هایی که معلمان می‌توانند در تدریس از آن‌ها بهره گیرند.

کلیدواژه‌ها: معلم، دانش‌آموز، خواندن، ادبیات فارسی

مقدمه

با نگاهی گذرا به تاریخ و فرهنگ کشورمان به این نکته پی می‌بریم که گذشتگان ما آثار فراوانی در زمینه‌های مختلف از خود به یادگار گذاشته‌اند که هر کدام ارزش علمی فراوانی دارند. اما متأسفانه در حال حاضر میزان مطالعه ما بسیار ناچیز است و گویی رابطه دوستانه‌ای که بین ایرانیان و کتاب بوده، به دشمنی مبدل گردیده است. حال باید این دشمنی را به دوستی تبدیل کنیم. معلمان می‌توانند در به وجود آوردن این صلح و دوستی نقش مهمی داشته باشند؛ چرا که با بزرگ‌ترین گروه کتاب‌خوان در ارتباط‌اند. البته معلمانی می‌توانند در این مهم توفیق یابند که خود اهل مطالعه باشند. اگر معلمی در کلاس درس خود درباره کتابی که در حال مطالعه آن است حرف بزند، قطعاً بهتر می‌تواند در دانش‌آموزان خود انگیزه مطالعه ایجاد کند. خوشبختانه ادبیات کشور ما بسیار متنوع و غنی است. اشعار ناب فراوانی در ارتباط با علوم مختلف از جمله قرآن و احادیث، طب قدیم، نجوم، ریاضیات، اخلاق و... وجود دارد. معلمان عزیز می‌توانند در تدریس از این اشعار کمک

بگیرند. استفاده از زبان شعر در بیان مفاهیم و موضوعات درسی، علاوه بر آسان‌تر کردن یادگیری، جذابیت زیادی دارد و دانش‌آموز را به سمت مطالعه بیشتر اشعار نیز ترغیب می‌کند. تاکنون کتاب‌ها و مقالات فراوانی درباره رابطه ادبیات و علوم مختلف منتشر شده اما در این مقاله سعی بر آن بوده است که با روش کتابخانه‌ای مصداق‌هایی از این ارتباط ارائه گردد و بدین نکته اشاره شود که معلم چگونه می‌تواند از آن‌ها در کلاس درس استفاده کند.

ادبیات فارسی و قرآن و احادیث:

در ادبیات فارسی آثار زیادی با محتوای مفاهیم قرآنی و احادیث وجود دارد که فراگیری آن‌ها می‌تواند به درک بهتر این مفاهیم کمک کند. معلمان قرآن می‌توانند از این گونه متون برای ارائه بهتر مضامین دینی و اخلاقی به دانش‌آموزان بهره گیرند. در ادامه، به چند نمونه از این گونه اشعار اشاره می‌کنیم.

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه کار به نام من دیوانه زدند

(حافظ، ۱۳۸۱: ۲۴۸)

این بیت به آیه ۷۲ سوره احزاب اشاره دارد: **إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا** (ما امانت الهی را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سر باز

زدند و از آن هراسناک شدند، و انسان آن را برداشت؛ به راستی او ستمگری نادان بود.

مثالی دیگر

معلم می‌تواند برای درک بهتر دانش‌آموزان از حدیث حضرت رسول اکرم (ص): «اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ (از گهواره تا گور دانش بجویید)» از این شعر سعدی استفاده کند:

چنین گفت پیغمبر راست‌گوی
ز گهواره تا گور دانش بجوی

همین‌طور معلم قرآن می‌تواند بعد از بیان این سخن امام علی (ع) که «الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ»، «علم بهتر از ثروت است» (حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه)، از شعر ناصر خسرو برای تأثیرگذاری بیشتر بر دانش‌آموزان بهره‌برد:

نه بزرگ است که از مال فزون دارد بهر
آن بزرگ است که از علم فزون دارد تیر
(ناصر خسرو، دیوان)

ادبیات فارسی و نجوم

فرض کنید معلمی بخواهد مبحث نجوم و نحوه رصد ستارگان را از ابتدا تاکنون به دانش‌آموزان تدریس کند. بی‌تردید یکی از ابزارهای مهم نجومی که باید در کلاس درباره آن توضیح دهد، اسطرلاب است. اسطرلاب از اجزای مختلفی تشکیل شده است. اگر معلم از دانش‌آموزان بخواهد نام اجزای مختلف اسطرلاب را حفظ کنند، شاید برای آنان مشکل باشد. بنابراین، او می‌تواند به کمک شعر یادگیری این مطالب را برای دانش‌آموزان آسان‌تر سازد. بهترین نمونه شعری که یک‌پایه اجزای اسطرلاب را می‌توان در آن جست‌وجو کرد، شعری است از شیخ بهایی که در رساله حاتمیه آمده است:

ام است و صفایح و شظایاست بدان
پس حلقه و عروه و علاقه است عیان
فلس و قوس و غضاده و قطب و مری
کرسی و مدیر و عنکبوت و دستان
ملاحظه می‌کنید که در این دو بیت تقریباً همه بخش‌های اسطرلاب (ام، صفایح، شظایا، حلقه، عروه، علاقه، فلس، قوس، غضاده، قطب، مری، کرسی، مدیر، عنکبوت

و دستان) به زیبایی هرچه تمام‌تر در کنار هم قرار گرفته‌اند. دانش‌آموز با خواندن این شعر همه اجزای اسطرلاب را می‌شناسد و ماندگاری نام آن‌ها را در ذهن خود به مراتب بیشتر احساس می‌کند.

حال تصور کنید معلم در ادامه مبحث نجوم بخواهد نحوه اندازه‌گیری و نام‌گذاری ماه‌ها و سال‌ها را به دانش‌آموزان بیاموزد. استفاده از بروج دوازده‌گانه یکی از روش‌های نام‌گذاری ماه‌ها از دوران باستان تا قرون معاصر بوده است و حتی هنوز هم در برخی کشورها نظیر افغانستان رایج است. «برج در اصطلاح

ادبیات کشور ما بسیار
متنوع و غنی است.
اشعار ناب فراوانی در
ارتباط با علوم مختلف
از جمله قرآن و احادیث،
طب قدیم، نجوم،
ریاضیات، اخلاق و...
وجود دارد. معلمان عزیز
می‌توانند در تدریس از
این اشعار کمک بگیرند

علمی یک قسمت از دوازده قسمت دایره عظیم فلک است که مدار ظاهری شمس در یک سال آن دایره می‌باشد و مقدار آن ۳۰ درجه است» (تهرانی، ۱۳۳۱: ۳۳).

در نام‌گذاری این دوازده برج، از ستارگان اطراف هر برج استفاده کرده‌اند؛ بدین شکل که زمین در حرکت انتقالی خود از برابر تعدادی ستارگان می‌گذرد که مجموع آن‌ها شبیه حیوان یا انسان یا شیئی است و به این صورت، آن برج را به نام آن حیوان یا انسان و یا شیئی نام‌گذاری کرده‌اند. اسامی بروج دوازده‌گانه یا صور فلکی به ترتیب عبارت است از: حَمَل، ثور، جوزا (توآمان)، سرطان، اسد، سنبله (عدرا)، میزان، عقرب، قوس (رامی)، جدی، دلو و حوت (سمکتان).

بنابراین، معلم باید در تدریس خود به این برج‌ها اشاره کند. حال اگر قرار باشد دانش‌آموزان نام این ماه‌ها را به ترتیب حفظ کنند، برای خیلی از آن‌ها کار دشواری است. در اینجا نیز معلم می‌تواند به کمک شعر، یادگیری را برای دانش‌آموزان آسان کند. ابونصر فراهی در «نصاب‌الصبیان» آورده است:

برج‌ها دیدم که از مشرق برآوردند سر
جمله در تسبیح و در تهلیل حتی لایموت
چون حَمَل چون ثور چون جوزا و سرطان
و اسد
سنبله میزان و عقرب و قوس و جدی و
دلو و حوت

(ابونصر فراهی، ۱۳۴۹: ۵۹)
مشاهده کنید که چه زیبا همه دوازده برج در یک بیت در کنار هم قرار گرفته‌اند! معلم با خواندن این شعر، هم مطالب درسی را به دانش‌آموزانش منتقل می‌کند و هم دانش‌آموزان تشویق می‌شوند که به دیوان‌های شعرا مراجعه کنند و اشعار ناب فارسی را بیاموزند و در زندگی به کار برند.

مثالی دیگر

در کتاب ادبیات فارسی سال دوم متوسطه، شعری وجود دارد با عنوان «در بیان‌های تبعید» از جبراً ابراهیم جبراً که درباره پایداری مردم فلسطین در برابر تهاجم اسرائیل است. در این شعر از ماه‌های رومی مانند آذار، نیرسان، ایار و تموز یاد شده است. معلمان هنگام تدریس این درس، به سایر ماه‌های رومی نیز اشاره می‌کنند و معادل خورشیدی هرکدام از آن‌ها را به دانش‌آموزان می‌گویند، اما گاهی دانش‌آموزان در تطبیق این ماه‌ها با ماه‌های خورشیدی دچار اشتباه می‌شوند. بنابراین، معلم می‌تواند به کمک شعر، ترتیب ماه‌های رومی را به دانش‌آموزان بیاموزد؛ به طوری که دچار اشتباه نشوند. در نصاب‌الصبیان آمده است:

دو تشرین و دو کانون و پس آنکه
شباط و آذار و نیرسان، ایار است
حزیران و تموز و آب و ایلول
نگه دارش که از من یادگار است
(ابونصر فراهی، ۱۳۷۴: ۱۲۴)



از مفاهیم ریاضی هستیم که به زیبایی هرچه تمام‌تر خودنمایی می‌کنند. اگر معلمان ریاضی در ارائه هر یک از مباحث ریاضی از این اشعار کمک بگیرند و آن‌ها را به فراگیرندگان منتقل کنند، قطعاً تأثیر زیادی در میزان یادگیری آن‌ها خواهد داشت. در زیر به دو نمونه از این مفاهیم ریاضی در شعر فارسی اشاره می‌شود.

«روانشاد حسین منزوی غزلی دارد با مطلع زیر:
خیال خام پلنگ من به سوی ماه جهیدن بود
و ماه را ز بلندایش به روی خاک کشیدن بود»

(کازمی، ۱۳۸۸: ۱۸۹)
منزوی بیت چهارم این غزل را براساس این دانش ریاضی که دو خط موازی به هم نمی‌رسند، سروده است:
من و تو آن دو خطیم آری، موازبان به ناچاری
که هر دو باورمان از آغاز، به یک‌دیگر نرسیدن بود»



(قاسمی گل‌افشانی، ۱۳۹۳: ۳۳)

مثالی دیگر

فرض کنید معلم بخواهد مبحث معادله را درس بدهد؛ او معادله‌ای را می‌نویسد که به دو شیوه قابل حل کردن است و در هر دو حالت جواب به دست آمده یکی است. به عبارت دیگر، معادله خواه به روش شماره ۱ حل شود خواه به روش شماره ۲، جوابی که به دست می‌آید، در هر دو روش یک مقدار مشخص است. مثال:

$$\begin{cases} 2x + 2 = 10 \\ 10 = 2x + 2 \end{cases}$$

معلم می‌تواند برای تکمیل مطالب این درس از آرایه اسلوب معادله کمک بگیرد.

گفتنی است «مبدأ تقویم رومی که در دوره حکومت سلوکیان بر ایران به نام تقویم سلوکی معمول گشت، سال جلوس «سلوکوس» از سرداران و جانشینان اسکندر مقدونی است که در حدود دوازده سال بعد از وفات اسکندر بر تخت پادشاهی نشست؛ یعنی حدود ۳۱۱ سال ق.م. آغاز سال رومی که از اول ماه تشرین اول است که از نصف دوم برج میزان شروع می‌شود که تقریباً از پانزدهم مهرماه تقویم ایرانیان است» (نبئی، ۱۳۹۲: ۶۵).

ادبیات فارسی و طب

دانش پزشکی در ادبیات فارسی فراوان به چشم می‌خورد و این نشان‌دهنده اطلاعات پزشکی ایرانیان در دوران گذشته است. شاید بتوان عالی‌ترین نمونه طب در شعر فارسی را در داستان تولد رستم، پهلوان نامی شاهنامه مشاهده نمود که به شیوه سزارین یا، به قول فرهنگستان زبان و ادب فارسی، رستم‌زاد صورت گرفت. حکیم ابوالقاسم فردوسی در این باره چنین می‌فرماید:

بیاور یکی خنجر آبگون
یکی مرد بُرنا دل و پرفنون
نخستین به می ماه را مست کن
ز دل بیم و اندیشه را پست کن
تو بنگر که برنا دل افسون کند
ز پهلوی او بچه بیرون کند
شکافت تهیگاه سرو سهی
نماند مر او را ز درد آگهی
یکی بچه شیر بیرون کند
همه پهلوی ماه در خون کند...

(فردوسی، ۱۳۷۶: ۹۷)

در ادامه این ابیات، فردوسی به خوبی جزئیات عمل رستم‌زاد (سزارین) را تشریح می‌کند و یکایک اصطلاح‌های پزشکی را به کار می‌برد؛ نظیر: خنجر آبگون به جای کارد جراحی، مرد برنا دل پرفنون به جای جراح و متخصص شکافتن، می به جای داروی بیهوشی، مست کردن به جای بیهوشی بانوی باردار، شکافتن به جای

شکاف جراحی، فرو دوختن به جای بخیه جراحی زدن و سرانجام پانسمان کردن با پماد مخصوص از گیاهی طبی که با مشک آمیخته شده است، برای مالیدن بر زخم و بهبود آن می‌توان اشاره کرد. استادان علم پزشکی کشور ما باید این اشعار را بخوانند و به دانشجویان خود بیاموزند تا بدانند و به این باور برسند که در عرصه پزشکی، سابقه ایران بسیار بیشتر از کشورهای دیگر است. آن‌گاه با سعی و تلاش فراوان و به یاری خداوند جایگاه واقعی طب ایرانی را به جهانیان بیاموزند.

ادبیات فارسی و ریاضی

ما در ادبیات کشورمان شاهد بسیاری

اسلوب معادله به این صورت است که «دو مصراع آن از لحاظ نحوی کاملاً مستقل هستند و هیچ حرف ربط یا حرف شرطی آن دو را به یکدیگر پیوند نمی‌دهد. در این گونه ابیات، هر یک از مصراع‌ها در تأکید مضمون مصراع دیگر موردی نظیر آن را ارائه می‌دهد و هر مصراع از نظر مفهوم چنان با مصراع دیگر یکسان است که می‌توان جای آن‌ها را عوض کرد یا بین آن دو، علامت مساوی گذاشت» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۸۶).

بیت زیر از سعدی را می‌خوانیم:
بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود
پسته بی‌مغز چون لب واکند رسوا شود
همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، این دو مصراع یک مفهوم دارند. هم می‌توانیم بین آن‌ها علامت مساوی بگذاریم و هم می‌توانیم جای آن‌ها را عوض کنیم؛ کاری که در معادله بالا انجام دادیم:

بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود =
پسته بی‌مغز چون لب واکند رسوا شود
و:
پسته بی‌مغز چون لب واکند رسوا شود =
بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود
(قاسمی گل‌افشانی، ۱۳۹۳: ۳۹)

ادبیات فارسی و تاریخ

در گذشته شاعران، بسیاری از رویدادهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی، علمی و... را در شعرشان می‌آوردند تا ماندگاری آن رویداد بیشتر شود. یکی از این رویدادها، زمان تألیف کتاب یا دیوان شعرشان است. برای مثال، اگر بخواهیم بدانیم که حکیم ابوالقاسم فردوسی سرودن شاهنامه را در چه سالی به پایان رسانده است، کافی است به این دو بیت شعر او خوب توجه کنیم:

سر آمد کنون قصه یزدگرد

به ماه سپندارم روز آرد

ز هجرت شده پنج هشتاد بار

به نام جهان‌داور کردگار

(فردوسی، ۱۳۷۶: ۱۳۷۶)

با مراجعه به تقویم پهلوی درمی‌یابیم که سپندارم (= اسفند تقویم خورشیدی) دوازدهمین ماه سال است. همین‌طور بیست و پنجمین روز از ماه‌های پهلوی، آرد نام دارد. حال اگر با توجه به مصراع اول بیت

دوم، پنج را در هشتاد ضرب کنیم، حاصل عدد چهارصد می‌شود. پس طبق این شعر، فردوسی سرودن شاهنامه را در بیست و پنج اسفند ماه سال چهارصد هجری قمری (۴۰۰/۱۲۲۵ ه. ق) به اتمام رسانید.

حال در اینجا اگر معلم ادبیات به جای بیان مستقیم تاریخ پایان سرایش شاهنامه، این دو بیت را برای دانش‌آموزان بخواند، علاوه بر انتقال مطلب مورد نظر خود، روح حماسی و پهلوانی و دلیرمردی را که در سراسر شاهنامه خودنمایی می‌کند به دانش‌آموزان سرایت می‌دهد و چه بسا دانش‌آموزان را به مطالعه بیشتر شاهنامه ترغیب کند.

مثالی دیگر:

فردوسی زمان پیدایش جشن نوروز را که ریشه‌های عمیق فرهنگی و تاریخی دارد، در داستان جمشید در شاهنامه می‌آورد:

به جمشید بر، گوهر افشاندند

مر آن روز را روز نو خواندند

سر سال نو هرمز فرودین

بر آسوده از رنج تن، دل ز کین

بزرگان به شادی بیاراستند

می و جام و رامشگران خواستند

(فردوسی، ۱۳۷۶: ۱۳)

در این شعر، هرمز همان اورمزد (اهورامزدا) است که اولین روز هر ماه در تقویم پهلوی به نام اوست. این خود نشان‌دهنده جنبه مذهبی نوروز از دوران زرتشتی در ایران است. فرودین نیز همان فروردین، اولین ماه در تقویم پهلوی است. بنابراین، آغاز نوروز را اولین روز از اولین ماه سال جمشیدی (۱/۱) جمشیدی) بیان می‌کند.

ادبیات و سبک زندگی

در ادبیات فارسی اشعار و حکایت‌های ناب فراوانی با مضامین اخلاقی و تربیتی نظیر صبر، تواضع، ادب، احترام به والدین، ایثار و از خودگذشتگی، تلاش و کوشش، امیدواری، قناعت، معاد، خداپرستی، پرهیز از هوای نفس، حفظ میهن و وطن‌دوستی و علم‌آموزی وجود دارد. معلمان تربیتی می‌توانند از این اشعار و حکایت‌ها در کلاس‌های خود استفاده کنند. بیان مسائل اخلاقی به زبان شعر

و داستان قطعاً تأثیر بیشتری نسبت به بیان مستقیم دارد.

نتیجه‌گیری

سرزمین ایران در طول تاریخ همواره به داشتن دانشمندان و ادیبان بلندمرتبه شهرت داشته است. آثار این دانشمندان و ادیبان به زبان‌های مختلف ترجمه شده است و در محیط‌های علمی معتبر دنیا از آن‌ها استفاده می‌شود. بر کسی پوشیده نیست که یکی از مهم‌ترین راه‌های توسعه، خواندن و یادگیری دستاوردهای علمی دیگران است، اما متأسفانه میزان خواندن در کشورمان بسیار پایین است و این برای ملتی که وارث فرهنگ و تمدنی کهن و غنی است، خوشایند نیست. برای رهایی از این وضع نامطلوب، نهادهای مختلف باید به فراخور توانایی‌های خود اقداماتی انجام دهند تا میزان مطالعه در کشور رونق بیابد. از مهم‌ترین این نهادها، آموزش و پرورش است. در این مقاله به نقش معلم در ایجاد انگیزه دانش‌آموزان برای خواندن بیشتر با استفاده از شعر فارسی پرداخته شد. امیدواریم دوباره شاهد رونق علمی و فرهنگی کشور عزیزمان باشیم.

منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۸۸). ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. نوح‌البلاغه. (۱۳۸۱). ترجمه محمد دستی، انتشارات مروارید، تهران.
۳. تهرانی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۳۱). رساله صور الفلکی، گاهنامه.
۴. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۱). دیوان. به کوشش خلیل خطیب‌هریر. تهران: انتشارات صفی‌علی‌شاه.
۵. سعدی، مصلح. (۱۳۷۶). کلیات. تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: ققنوس.
۶. عاملی، به‌الدین. (شیخ بهایی). رساله حاتمیه. [بی‌تا] [بی‌جا].
۷. فراهی، ابونصر. (۱۳۴۹). نصاب الصببان. به اهتمام محمدجواد مشکور. تهران: سازمان انتشارات اشرفی.
۸. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۶). شاهنامه. تهران: قطره.
۹. قاسمی گل‌افشانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). منحنی قامت تابع ایروی توست. تهران: رسانش نوین.
۱۰. کاظمی، روح‌الله. (۱۳۸۸). سیب نقره‌ای ماه نقد غزل‌های حسین منزوی) تهران: مروارید.
۱۱. میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۶). واژه‌نامه هنر شاعری. تهران: کتاب مهناز.
۱۲. نبی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). گاه‌شماری در تاریخ تهران: انتشارات سمت.